

# نقاط ضعف و

## نقاط قوت انقلاب اسلامی از

### دیدگاه مسئولین

در حال یک نهضت و بعثت دائمی به سوی تعالی و تکامل رهسپار. بررسی نقاط قوت و ضعف انقلاب اسلامی بما این نیرو و توان را می بخشد تا در پرتو یک برخورد واقع بینانه تر به حل معضلات و مشکلات فراراه انقلاب کمر همت گماریم و با رفع نارسائیا و نابسامانیهای گذشته و جلوگیری از تکرار خطاهائی که سابقا صورت گرفته است، بتوانیم در قدرت انقلاب بیفزاییم.

با چنین امیدی نقاط قوت و ضعف انقلاب را از دیدگاه تنی چند از مسئولین به بحث و گفتگو می نشینیم.

تصحیح نقاط منفی و تقویت نقاط مثبت خود بوده و موظفند تا با استمرار این مسأله از آسیب پذیری خویش کاسته و بر توانمندیهایشان بیفزایند.

انقلاب اسلامی ما نیز برای تحقق اهداف الهی و متکامل خویش ناگزیر از پیروی چنین قانونمندی است. بگونه ای که عدم توجه به چنین مسأله ای میتواند انقلاب را در ورطه انحراف و سقوط قرار دهد. پندگیری از تاریخ و سرگذشت پیشینیان برای جلوگیری از تکرار تجربه های تلخ گذشته امری است که همواره از سوی رهبران و اندیشمندانمان بما توصیه شده است و اینها برای اینکه جامعه اسلامی

بسمه تعالی

تعالی و رشد انسان جز از راه تصحیح مداوم و مستمر خصصنهای منفی و نقاط ضعف وی امکانپذیر نمیکردد. و این امر نیز جز از طریق شناخت عناصر مثبت و منفی در وجود انسان ناممکن است. این مسأله را اصولی فراگیر تر است به گونه ای که دامنه آن به عرصه همه حرکتها، نهضتها و انقلابات اجتماعی و دیگر ارگان جوامع انسانی نیز کشید می شود.

بعبارت دیگر حرکتهای اجتماعی نیز برای نیل به اهداف خویش در جریان حرکتشان ناگزیر از

#### آیت الله مهدوی کنی

یکی از نقاط قوت انقلاب رهبری قاطع و صحیح انقلاب ماست. خصوصا اینکه در سالهای گذشته ما انقلابی داشته ایم که اول به سامان رسیده مثل انقلاب مشروطیت و یا نهضت ملی نفت ولی بدلیل عدم رهبری صحیح و آشکالاتی در این اصل، انقلاب شکست خورد و منحرف شد.

دومین نقطه قوت انقلاب ما آنکه این انقلاب بر مکتب و مذهب است که این اصل بسیار مهمی است و ثابت شده که هر انقلابی که متکی به ایدئولوژی صحیحی نباشد و پایه و اساس نداشته باشد بقایمی نخواهد داشت. و نمونه آن هم انقلابهای قوی، قبیله ای، نژادی و حتی وطنی است که بدلیل نداشتن پایه محکم، دوام و بقائی نداشته اند.

سومین نقطه قوت این انقلاب مزدمی بودن آن است که میتوان گفت یکی از رمزهای موفقیت این انقلاب و دوامش هم همین است مردم هستند که انقلاب را حفظ میکنند و همانطور که امام هم همیشه فرمودند رهبری بدست مردم است.

چهارمین مسئله که شاید در همان مسئله اول و دوم هم آمده است متکی بودن این انقلاب بر روحانیت متعهد و مسئول است. روحانیت است که در جامعه جا دارد و هم اوست که میتواند انقلاب را از انحراف حفظ کند.

پنجمین نقطه قوت این انقلاب سازش ناپذیری

بخواهیم وارد متن بکنیم طبیعی است که هم احتیاج به تجربه دارد و هم احتیاج به کارشناس فراوان، و این خود مشکلی است برای ما.

همینجا اضافه میکنم که دوره انتقالی از یک رژیم که رژیم کفر بوده تا اسلام، و یک رژیم اسلامی، به یکباره ممکن نیست و گسائیکه معتقد

#### \* حجت الاسلام رفسنجانی: یکی

از نقاط ضعف انقلاب کمبود نیروی تربیت یافته و سازمان دیده و تجربه دار جهت اجرای کارهای مملکتی بود.

به اسلام هستند و اعتراض کرده و میگویند چرا یک روز تأخیر کنیم در اجرای احکام اسلامی باید بدانند که واقعیتها هم گاهی مانع میشود. مثلا فرض کنید در مورد مسئله ربا، سیستم بانکی که در کشور بوده نه ممکن است یکباره سیستم بانکی را ریخت بیرون و نه میشود اینرا برای همیشه خراب کرد. لذا در این دوره انتقال انتقادهای زیادی میشود که چرا شما عمل به اسلام خالص نمی کنید و از طرفی مشکل هم است، نمیشود به یکباره عمل کرد، و صرف نظر هم نمیشود کرد. حتی تخریب برنامه گذشته هم عوارضی دارد و اینهم از مشکلات کار است. البته نقاط ضعف دیگری هم ممکن است داشته باشد ولی مهم همانجیزهائی بود که گفته شد

#### حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

یکی از نقاط مهم ضعف ما این بود که در زمان پیروزی انقلاب طرح و برنامه مشخصی نداشتیم. دوم اینکه نیروی تربیت شده و سازمان دیده و تجربه دار جهت اجرای کارهای مملکتی نداشتیم. البته لازم به تذکر است که نقص وجود دارد و کسی هم مقصر نیست، علتش هم این است که انقلاب در یکسال اخیر آنچنان سرعت رشد کرد که کسی فرصت سازندگی را پیدا نکرد. نقطه دیگری که میتوان بعنوان نقطه ضعف از آن نام برد که البته همراه با نقطه قوه ای هم هست، این است که ما دنبال حکومت اسلامی هستیم و حکومت اسلامی باید از معارف اسلام دریابد. برای پیاده کردن اسلام ما نه صدر اسلام هستیم که مثل پیغمبر اکرم با وحی و با خدا ارتباط داشته باشیم و اسلام خالص و ناپ را از آسمان بگیریم. و از طرفی اسنادی در اختیار ما نیست که یکمقدار قابل بحث و بررسی است و بعضی موارد در تفسیرش ممکن است دچار اختلاف نظر بشویم. همینطور که هست می بینید در بحثها این مشکل است برای مسئولانی که برنامه های سازنده دارند و باید در این چهار چوب دریابوند و این چهارچوب هم کارشناسان معدودی دارد لذا برای پیاده کردن این مسائل احتیاج به یک دوره ای داریم که بتوانیم وارد عمل شویم. ۱۴۰۰ سال است که اسلام از متن زندگی مردم بیرون است اگر دوباره



طور اعم که به معنای سیاسی شرق را هم در بر می گیرد از کنشوران بیرون کنیم. مدتها طول خواهد کشید تا الگوی مصرفی خودمان را عوض کنیم و این چیزی است که احساس می شود در زمینه آن توفیق کامل بدست نیامده است ولی وقتی الان را با دوره بنی صدر مقایسه می کنیم احساس می کنیم که خود رفتن بنی صدر جزئی از همین مبارزه نظام فرهنگی اسلامی در کشور است و بیش از اینکه یک عمل سیاسی باشد. باز هم یک عمل مکتبی اعتباری به معنای عام آن است.

ما در زمینه موضع گیری ضعفهایی داریم. گروههای اسلامی سابق بدلیل بدبینی شدیدی که نسبت به رژیم داشتند به جانی راه داده نمی شدند و به هیچ وجه در سطوح مدیریت جامعه وجود نداشتند بعد از انقلاب ما دچار کمبود نیروهایی شدیم که در سطح مدیریت بتوانند کارها را بچرخانند. وقتی من این ضعف را بیان می کنم در ضمن این قدرت را در انقلاب در می یابم که بطرز عجیبی در ظرف این سه سال ما ره صد ساله در زمینه تربیت مدیر رفته ایم. ولی با این همه کاستی های زیادی داریم که باید آنها را جبران کنیم و جریان آنها نیز از دو طریق صورت می گیرد. یکی همین نیروهای حزب الهی هستند که در نهادهای انقلابی، در ادارات و جاهای دیگر دارند پرورش پیدا می کنند و مسئولیتها را در اختیار می گیرند. مساله دوم در

حسن نیت بود و سوء نیتی در کار نبوده است ولی چون با برنامه عمل نمی کردند این منشاء یکسری کارهای غلط بوده است. اگر با یک برنامه واحدی با یک روش واحد و خط مشی واحدی کار پیش میرفت مردم هم احساس بی قانونی نمی کردند.

مثلا همین کمیته ها را فرض کنید. خوب یک نهاد انقلابی بودند که در روزهای اول انقلاب خوره جوش بوجود آمدند ولی چون برنامه ای نداشتند قهرا هر کدام یک جور انجام وظیفه میکردند و این تفاوت در کارها برای مردمی که در کنار ایستاده بودند ایجاد شک میکرد که آیا این قانون است یا آن؟ و یا هر دو بی قانونی است. این حالت کم و بیش الان هم باقی مانده اگر چه حرکت ما بسوی اجرای قانون در جامعه است. ولی نهادهای انقلابی ما و سایر ارگانهائی دولتی از این اشکال برخوردار هستند البته صرفا بخاطر عشق به انقلاب بود که دست به عمل میزدند که انشاء الله باید رفع شود.

#### میر حسین موسوی

نقاط ضعف و قوت انقلاب از دیدگاه برادر موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران بشرح زیر است:

راجع به نقاط قوت انقلاب بدلیل عظیمی و گستردگی اش صحبت نمی کنم. در مجموع به نظر می آید انقلاب در، درم شکستن نظام سیاسی بسیار موفق بوده است. ولی درم شکستن نظام ارزشی رژیم سابق حاکم کرده بود کمی طول کشیده و طول کشیدنش هم بعلت دشواری کار بوده. با ارزشها و میراثهای فرهنگی بسادگی نمی توان درافتاد و نابود کرد. مدتی طول خواهد کشید تا آثار غریزگی به

ن است. زیرا یکی از چیزهائی که به انقلاب ضربه میزند این است که پس از انقلاب با عوامل ضدانقلاب سازش شود. ممکن است عوامل ضدانقلاب با چهره منافقانه بیایند و زمام امور را بردست بگیرند. ولی سازش ناپذیری انقلاب در این که کسانی که میانی انقلاب را نپذیرفتند و مومن به انقلاب نیستند نباید در انقلاب دخالتی داشته باشند مکان چنین فرصتی را به ضدانقلاب نداد.

با توجه به نکاتی که گفتم این انقلاب، انقلابی مردمی است و قهرا پاسداران انقلاب و مسئولین انقلاب هم از خود مردم برخاسته اند و این مسئله مهمی است که باید حفظ شود اگر مسئولین از خود مردم نباشند و از متن جامعه برخاسته باشند. باز یاد شدن فاصله بین مردم و مسئولین انقلاب ضعف پیدا میکند. ولی اگر مسئولین از خود مردم باشند میتوانند حافظ انقلاب و پاسدار آن باشند برای اینکه کسانی که انقلاب کردند مسئول میشوند و قهرا خودشان برای انقلاب دل میسوزانند و این هم یک نکته قوت انقلاب است.

و اما نقاط ضعف. از نقاط ضعف یکی این بوده که چون انقلاب زود بشمر رسید برنامه نداشت البته این لطف خدا بود که انقلاب به ثمر رسید اما کسانی که مسئولیت پذیرفتند خود را برای آینده آماده نکرده بودند. برای برخورد با حوادث آماده نکرده بودند. ما باید اعتراف کنیم که ما مدتها حالت انفعالی داشتیم و بعضی از ضربه هائی که خوردیم برای همین بود. اگر لطف خدا نبود آن نقطه های قوت هم ممکن بود به شکست بیانجامد.

دومین مسئله ای که میتوان بعنوان نقطه ضعف انقلاب حساب کرد که از همان نکته اول سرچشمه میگیرد وقوع بعضی از کارهای غیرمسئولانه و یا غیرمنضبط بوده است که خیلی از آنها هم ناشی از

#### میرحسین موسوی: ما در زمینه

#### اقتصادی ناهمگنی هایی داریم و انقلاب

در برخورد با این ناهمگونیها در جاهایی

قدرت نشان داده و جاهایی هنوز بنظر می

آید که دچار تردید است و نمونه آن هم

همان مسئله زمین است.

سطح محدودتری نیروهای تکوکرات هستند که بعد از آزمایش سه سال گذشته. معتقد میشوند که کسانی که می توانند مملکت را اداره کنند و به سمت استقلال واقعی بپردازند همین نیروهای خط امام هستند و بدین ترتیب چرخش خیلی محسوسی به نیروهای خط امام پیدا کرده اند و طبیعتا سهمی از مدیریت را در آینده بخود اختصاص خواهند داد مخصوصا در بخش صنایع. نمونه آن را من در مجتمع سرچشمه دیدم که مجتمع به این عظمت را توسط مهندسین خودمان راه انداختیم. این مهندس وقتی آنجا را راه می اندازد احساس غرور هم میکند. چون می بیند یک مجموعه عظیمی که امریکا مدام توی سرما میزد که فقط ما می توانیم راه بیندازیم. راه می اندازد. و متوجه میشود که این اسلام عزیز او را به چه جای مناسب و سالم از نظر اسلامی رهنمون میسازد. وجه شکلی او را از زیر دست مستشاران امریکایی که مثل کرم در جامعه ماول می خوردند نجات داده و به یک فضای باز و آزادی رسانده است.

لطفا ورق بزنید



طبیعی است که یکجوع الفت ورحمتی درقلب آنها نسبت به اسلام پیدا میشود. اسلام و نظام جمهوری آغوشش برای پذیرفتن این افراد باز است و ما از این نیروها استفاده می کنیم، من شخصاً به جوش خوردن تخصصی و مکتب بسیار امیدوار هستم مسئله ای که جدایی آن توسط دستان پلید بنی صدر در کشورمان بوجود آمد و تلاش بسیار زیادی شد که فن سالاران ما از مکتب جدا شوند و در مقابل نظام جمهوری اسلامی موضع گرفته و از بین بروند. این یکی از تقایص و ضعفهایی است که ما داریم.

البته چیزهای دیگری هم هست مثلاً در زمینه اقتصادی ناهمگنی هایی داریم و انقلاب در برخورد با این ناهمگونیا در جاهایی قدرت نشان داده و جاهایی هنوز بنظر می آید که دچار تردید است و نمونه آن هم همان مسئله زمین است که من یقین دارم به نفع مستضعفان کشور ما و یا تکیه بر اسلام فقاهتی راه حل برایش پیدا خواهد شد.

### بهزاد نبوی:

مهمترین نقطه قوت انقلاب اسلامی ماکه متمایز کننده این انقلاب از دیگر انقلابات جهان است، اسلامی بودن آن است که در واقع بعد مکتبی را مشخص میکند. بعد اسلامی، آنرا بصورت یک انقلابی در آورده که در اعماق روح مردم گسترش و نفوذ پیدا کرده و حرکت را بیک حرکت مستمر الهی تبدیل نموده است.

دومین نقطه قوتش رهبری انقلاب است که این نیز در نوع خودش استثنائی است. وجود این نوع رهبری در انقلاب ما، رهبری بر مبنای ولایت که در حقیقت هم رهبری مادی وهم رهبری معنوی است و هر دو در یک وجود متبلور شده از ویژگیهای انقلاب ماست. و در عین حال شخص امام در چهار چوب همین رهبری الهی از ویژگیهای خاصی

**بهزاد نبوی: جنبه های منفی و نقاط ضعف درانقلاب ما شامل کمبود نظم و تشکیلات و انسجام و برنامه ریزی بوده است.**

برخوردار است. این رهبری نقش تعیین کننده ای در پیروزی و در حفظ و تداوم و گسترش این انقلاب دارد.

سومین نقطه قوت انقلاب حضور همیشگی و همه جانبه مردم در صحنه است که دشمنان داخلی و خارجی را با شکست مواجه میکند. و انقلاب را حفظ میکند. این سه ویژگی مثبت که البته هر کدامش بحثهای فراوان دارد، وجود رهبری بر مبنای ولایت فقیه، انقلاب را برای همیشه از انحراف نجات میدهد و حضور مردم انقلاب را از منیتها میرهاند و اینکه ما توانستیم بدون متحمل شدن ضربات و صدمات زیاد بعد از دو سال واندی انقلاب خودمان

را این چنین پالایش و تصفیه کنیم معلول وجود این عوامل است. جنبه های منفی و نقاط ضعف درانقلاب ما شامل عدم وجودنظم و تشکیلات و انسجام و برنامه ریزی «عدم» نه به معنای مطلقش بلکه کمبودینها. و من فکر میکنم که اگر ما تشکل و انسجام و برنامه ریزی را که همه عملاً به نقص آن توجه داریم سامان بدهیم با توجه به آن عوامل مثبت انقلاب اسلامی ما خیلی زود میتواند به آن هدف نهائی اش که حاکمیت اسلام در سراسر جهان باشد دست پیدا کند.

### حجت اسلام خاتمی:

بزرگترین نقطه قوت انقلاب، اسلامی بودن، برخورداری از رهبری ممتاز الهی و حضور گسترده امت شهید پرور در صحنه است و همین عوامل سبب شده است که جامعه انقلابی ما در صحنه های پیکار اقتصادی، فرهنگی و نظامی یا مستکبرین و عوامل آنها پیروزیهای چشمگیر داشته باشد.

اما ضعف، بنظر من از نظر کلی و باتوجه به سیستم، ضعفی وجود ندارد گرچه محکم است نارسائیها و اشتباهات و حتی سوء نیتها و فرصت طلبیها در گوشه و کنار و در زاویه این نهاد با آن تشکیلات بچشم میخورد ولی در صورتیکه پایه درست باشد که بلطف خداوند هست و اگر سر رشته امور در دست نمایندگان واقعی انقلاب باشد که خوشبختانه هست، با گذشت زمان این اشکالات جزئی و مقطعی نیز حل خواهد شد. مطمئناً نیروئی که توانست بنی صدر خائن را که فریبکارانه در آغاز حتی نظر موافق ۱۱ میلیون مردم قهرمان ایران را بخود جلب کرده بود، انشاء و با رسوائی از صحنه بیرون براند، قادر است که نارسائیهای جزئی که در مرحله برزخی انتقال از نظام پیشین بنظام مطلوب طبیعی است رفع، و عناصر ثایاب و فرصت طلب رامتزوی و از آنان خلع ید نماید.

اما اگر ضعف مهمی نباشد، مشکلات مهمی وجود دارد که باید با دقت و برنامه ریزی درصدد رفع آنها باشیم.

بنظر میرسد که باید تلاش بکنیم مرحله برزخی انتقال را هر چه میتوانیم کوتاهتر کنیم و بکوشیم سیستمی منسجم و هماهنگ بر جمهوری اسلامی حاکم باشد و اینکه که بسیاری از ناخالصیها دفع شده است با تکیه بر معنویت و با استفاده از نیروی گذشت و ایثار مردم، کار سازماندهی را با سرعت بسامان برسانیم البته برای سازماندهی هم دست اندرکاران باید بشدت تلاش و فکر کنند و هم مردم باید قدرت تحمل خود را افزون سازند.

مردم باید اولویتها را تشخیص و مسائل فرعی و مقطعی را برای مدتی فراموش کنند تا اساس

**حجت الاسلام خاتمی: بزرگترین نقطه قوت انقلاب، اسلامی بودن، برخورداری از رهبری ممتاز الهی و حضور گسترده امت شهید پرور درصحنه است.**

محکم شود که اگر اساس استحکام یافت جزء جزء مسائل و مشکلات بنحو مطلوب حل خواهد شد و در اینجا است که مسئولان باید در کنار کار برنامه ریزی که مطلب بسیار مهم و وظیفه اصلی انسانست، کار ارشادی را نیز بخوبی انجام دهند که اگر مردم ما واقعیات را دریابند همه گونه فداکاری را انجام خواهند داد. امیدوارم که تصویب طرح ارائه اساسنامه نهادها و سازمانهای مملکتی بمجلس گامی بلند باشد در راه حل این مشکل قابل توجه اجتماعی.

### محسن رضائی:

برادر محسن رضائی با گذری بر چگونگی شکل گیری انقلاب اسلامی و ویژگیهای آن و با

تاکید بر این مسئله که ضعفهای انقلاب در ذات حرکت نبوده و این ضعفها عرضیهایی است که بر انقلاب تحمیل شده است. انقلاب اسلامی ایران پاتکیه بر یکسری مبنای و شیوه های متناسب با آن مبنای، حرکت جدیدی را در یک مقطع از تاریخ انسانیت و تاریخ اسلام و تاریخ شیعه بوجود آورد و تحولاتی را در یک جامعه ای بنام جامعه مسلمان ایران ایجاد نمود که هم مبنای و هم شیوه های کاربردی و هم نقاط ضعف و قوتش نسبت به همه حرکتیهای قبل از خودش کاملاً فرق داشت. مثلاً ناسیونالیسم که زمانی بعنوان راه نجات مطرح بود و مبنای و شیوه هائی هم داشت و یا حرکت سوسیالیسم یا کمونیسم بدلیل داشتن مسائلی نتوانستند انسانیت را از این بن بست فکری در مقابل این سوال اساسی که «چگونه باید زیست؟» و «چگونه میتوان به انسانیت واقعی رسید؟» نجات دهند. انقلاب اسلامی ما با طرح این شعار که آزادی انسانها را در تمام سرزمینها تضمین میکند، حرکت را بوجود آورد. این انقلاب میان با

شدند و نتوانستند رؤیای را که در مقابل بودند در مدت کوتاهی از بین ببرند طبیعی است که یکسری نقاط ضعف بر ما تحمیل شد. یعنی اگر ما آمادگی کامل را برای اداره سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی کشور پیدا میکردیم سازمانهایش را ترتیب میدادیم، کارهایش را میساختیم و بعد نظام را در دست میگردیم قطعاً نقاط ضعف به مراتب کمتر بود. در حال حاضر و در حقیقت بعد از پیروزی انقلاب ما دو کار را با هم انجام داده ایم، هم مقابله میگردیم و هم میساختیم. در هیچ کجای دیگر اینطور نبوده همیشه تقدم تشکیلات و سازماندهی وجود داشته است. بنابراین نقاط ضعف موجود در ذات حرکت مانیت ماهیت و هویت ذات حرکتی ما این نقاط ضعف را بوجود نیارود بلکه مسئله زمان و نقاط روینایی حرکت تحمیل شده ای بر این حرکت بود زیرا ما در مدت کوتاهی کارمان را که بسیار گسترده بود انجام دادیم طبعاً یکسری نقاط ضعف اجباری یا تحمیلی داشته ایم.

نقاط قوت انقلاب ما دومینای اساسی دارد یکی

انقلاب و از تحرک و فعالیتشان در انقلاب بکاھد و در مردم یاس و ناامیدی بوجود بیاورند. ناامیدی و یاس هم که عامل اساسی در عقب نگاه داشتن مردم دنیاست. و این کار از طریق بزرگ کردن ابرقدرتها صورت میگیرد. فانتوم و آپولو درست کردن، بزرگ نمائی کردن و نمایشگرانی که الان به اصطلاح به صورت نیروهای واکنش سریع در بعضی جوامع پیاده میشوند فقط و فقط یک هدف را دارند و آن هم اینکه مردم را در دنیا ناامید کنند و مایوس گردانند از اینکه قادر به انجام کاری هستند. ولی انقلاب ما توانست خودجوشی را بوجود آورد و یاس و ناامیدی را بشکند و نقطه اساسی قوت انقلاب ما بعد از توکل به خدا همین خودجوشی مردم در انقلاب و در تمام امور اجتماعی و سیاسی کشور است که بحمدالله وجود دارد.

### حجت الاسلام دعائی:

البته نقاط ضعف و قوت در این خلاصه میشود که ما در اوایل انقلاب با یک نوع ساده اندیشی و ساجت و گذشت با جریانات برخورد کردیم. از یک سازماندهی قوی و نیرومندی که بتواند بعد از پیروزی مواضع حساس را اشغال کند و به اداره دقیق و سازمان یافته جامعه ادامه دهد، برخوردار نبودیم و این عمده نقص کار ما در زمینه انقلاب بود. اما آنچه که این نقیصه و نقطه ضعف را جبران مینماید، اصالت بیش توده ای و مردمی ما بود، و تکیه عمیق بر توانائی ها و کارائیهای مردم. درست است که اگر این مردم سازمان یافته میشدند بهتر بود، اما سیر جریانات بقدری سریع به پیش میرفت و پیروزی آنچنان غیر مترقبه و غیر منتظره بدست آمد

### \* حجت الاسلام دعائی: نقطه قوت

انقلاب تکیه بر مردم و شناخت دقیق کارائیها و توانائیها و ارزشهای مردمی بود.

که خیلیها تصورشان این بود که پیروزی بر ما تحمیل شد. و چه بسا اگر ما سالیان درازتری را درگیر مبارزه رویاروی با دشمن میبودیم به ضرورت آن سازماندهی و تشکیک لازم دقیق تر پی میبردیم. و پیشگامان انقلاب از وجود یک حزب، یک سازمان پولادین و قوی برخوردار میبودند. در انقلابات دنیا، کادرهای لازم که باید زمام امور را بدست گیرند و مسائل اجرایی را اداره کنند جایگزین نظام قدیم میشدند و حتی بودند آن انقلاباتی که سالها قبل از پیروزی دولت خودشان را تشکیل داده بودند و مسئولین خودشان را هم انتخاب کرده بودند. اما ما از این تشکیک واز این سازمان یافتگی بی بهره بودیم. لذا با یک خوش بینی و سماجتی بعد از پیروزی، اجازه دادیم که احزاب و سازمانهای که بنحوی تشکیک داشتند میراث

بقیه از صفحه ۱۱۶

محسن رضایی: نقاط ضعف موجود در ذات حرکت ما نیست، ماهیت و هویت ذات حرکتی ما این نقاط ضعف را بوجود نیارود بلکه مسئله زمان و نقاط روینایی مسائلی بودند که بر این حرکت تحمیل شدند.

توکل به خدا به عنوان یک مبنای اساسی و شرکت نیروهای غیبی در انقلاب بوده که از اول انقلاب تاکنون مطرح بوده و در آینده نیز مطرح خواهد شد، و از این به بعد انقلاب ما بزرگترین موانع سد راه خودش را با استمداد از همین نیروهای غیبی حل خواهد کرد. اگر قبل از انقلاب سالی یکبار یک نفر میگفت امام زمان را دیدم از این به بعد دیدن حضرت مهدی قطعاً فراتر خواهد رفت و این بدلیل پذیرش توان مردم در پذیرفتن رحمت خداوند و برکات خداوندی است.

دومین مسئله خودجوشی مردم در انقلاب بود و آن جوشش الان، جنگ را اداره میکند و اقتصاد سازمان نیافته بصورت سیستم های شرقی و یا غربی را

مشخص و باشیوه های خودش نه تنها در مدت زمان عملکرد باتمام حرکتیهای دیگر فرق داشت بلکه ابعاد وسیعی که مطرح کرده بود ابعاد بسیار گسترده اقتصادی و ایدئولوژیک بود که بار سنگینی را هم بردوش داشت و معمولاً نقاط ضعف در برداشتن بار سنگین بیشتر از برداشتن یک بار سبک است. بنابراین ما باید اول به این مسئله بپردازیم که اگر میخواهیم نقاط ضعف و نقاط قوت انقلاب اسلامی را بررسی کنیم باید ببینیم که انقلاب را از چه دیدگاهی و در چه محدوده ای و برای چه هدفی داریم بررسی میکنیم؟ بعنوان مثال ناسیونالیسم به مسائل معنوی، اعتقادی و ایدئولوژیک اصلاً نگاه نمیکند ناسیونالیستها فقط برایشان آزاد کردن یک سرزمین مطرح بود و خیلی راحت میتوانستند همه دور هم جمع شوند و باهم یک منغمه ای درست میکردند و یک اتحاد موقت، و آزاد کردن یک سرزمین را مطرح مینمودند و حرکت میکردند، اما قطعاً اگر انقلابی بخواند ابعاد گسترده اعتقادی را در کار خودش بوجود آورد باید نقاط قوت و ضعفش و گستردگی کارش بیشتر و فراتر و بطور کلی معیارهایش با مسائل سابق فرق داشته باشد. بنابراین اگر ما صحبت از نقاط ضعف و نقاط قوت میکنیم از این دیدگاه است که انقلاب اسلامی ما ابعادش از تمام ابعاد انقلابات هم در طول وهم در عرض هم در کیفیت و هم در کمیت فراتر است، انقلاب اسلامی وقتی که آغاز شد بر اساس یک تشکیک و یک سازمان از پیش ساخته شده ای و عمدتاً در تمام نهضتها و جنبشها مطرح بود، نبود، بلکه دقیقاً تکیه بر توده های میلیونی مردمی داشت که بصورت بسیار گسترده و غیر تشکیلاتی وارد صحنه انقلاب



بردوش خود میچرخاند و تمام ارتباطات کشور الان بر روی دوش همین مردم استوار است و این عامل بسیار قوی است و یکی از حیلے های دشمن هم همیشه این بوده که مردم از خودجوشی و پویائی در



## نقاط ضعف و...

بر انقلاب شده و بیایند هسته ها، مهره‌های خودشان را جایگزین سازند و در جریان عمل قهמידیم که به همان نسبتی که اینان از توده‌ها جدا بوده و از ماهیت فداکاری و ایثارگری مردم و نفرت مردم از هر نوع سلطه پذیری غرب و شرق، فاصله داشتند دچار مشکلاتی شدند که خود مردم یا حضورشان در صحنه و با طرد روشهای سازشکارانه و یا به اصطلاح معروف، لیبرالیزم آنها، انقلاب را در مسیر اصلی خودش جهت دادند. بهرحال میتوانیم بگوئیم نقاط ضعف یا نداشتن این سازماندهی و یا پیروزی زودرس انقلاب بود و نقطه قوت انقلاب نیز تکیه بر مردم و شناخت دقیق از کارآئیها و توانائیها و ارزشهای مردمی بود که خوشبختانه نه تنها تا به امروز ما این پیوند مردمی را خوب حفظ کرده ایم بلکه با الهام از خود مردم تلاش کردیم عواملی که بنحوی ما را از مردم جدا میکند کشف و خنثی کنیم و اگر هم بنحوی خطانی از جانب ما صورت گرفته بوده و یا دچار ضعف شناخت از توانائیها و قدرت مردمان بودیم آنرا تصحیح کرده و این پایگاه اصیل انقلاب را که در حقیقت عامل وضامن حفظ و تداوم انقلاب ما است، بیش از پیش کسب کنیم و میبینید که ثمراتش را الان ما با سرفرازی و غرور لمس میکنیم. امروز جهان به حیرت واداشته شده است از مقاومت ما در قبال حمله های سهمگین نظامی و اقتصادی در تاریخ کشورمان، بحمدالله با سرفرازی و با ایمان به مردمان و با اعتقاد راسخ به اصالت راهمان، که همان حقانیت ایدئولوژی ما میباشد، مقاومت میکنیم، لازم به توضیح نیست هم شما و هم همه خوانندگان مجله شما و هم همه میدانند که دشمن ما امپریالیزم جهانی، آنچه که در اختیار خویش داشته برای شکستن ما بسیج کرده است. اما ما تنها با اتکاء به مردم و به توانائیهای معنوی و ایثارگراانه و مقتصدانه خودمان توانسته ایم تمام این مشکلات را تحمل کنیم بدون اینکه کوچکترین احساس نیازی دشمن و یا حتی دوست ما از ما بپسند. و این مسئله بسیار مهم است و بسیار ارزش دارد.

### مهندس غرضی

نقاط ضعفش را دشمن بدون شناخت و نقاط قوتش را هم رهبری میبیند. من فراموش نمیکنم که

شدیدترین مشکلات وقتی که با امام در میان گذاشته میشد خوب همه ملت ایران امروز شاهد این هستند که، امام با یک حالت بسیار آرام و مطمئن برخورد میکنند، وقتی که نقاط ضعف را جلوی سیاستمداران داخلی و خارجی قرار میدهیم با ضعف و شوق، به اینکه به این چند دلیل مادی و ابزاری و امکانی پس فرداست که جمهوری اسلامی ساقط بشود، از نظر بنده، یعنی آن چیزی که جلب توجه نموده و واقعا نمیتوانم بگویم که همه نقاط قوت انقلاب در آن است این سربازگیری وسیع بلافصل انقلاب در رابطه با حل مشکلات و مسائل اجتماعی است این سربازگیری فقط در فرم نظامی، یا فقط در فرم شهادتها نیست بلکه در شکل کلی رفع نیازهای انقلاب نمود بسیاری داشته است در همین رابطه، ارتباط بین امام و امت قابل بررسی است. با توجه به اینکه هیچوقت یک ارتباط مکانیکی و یا تلفنی بین امام و سربازانش برقرار نبوده ولی همانهایی که دعاها را نیمه شبشان راهی همه جبهه‌ها است و آن قشر عظیمی از توده متعبد و انقلابی که وظیفه خودش را در رابطه با خدا میداند از یکطرف نه تنها مشکلاتی نیافریده بلکه از طرف دیگر مشکلات را حل میکند من اینرا عظیم ترین نقطه قوت انقلاب میدانم. شما بدانید با دستور العمل صادر کردن بدون درخواست کردن، بدون اجر و مزد و پاداش و این زمینه های مادی موفق هستیم به اینکه بزرگترین مشکلات و سازماندهیهای دشمن را در هم بشکنیم. بسیاری از جریانات انقلابی اتفاق می افتد که روشنفکران و روزنامه خوانها و آنهایی که در این روابط اجتماع را سنجش میکنند اصلا خبردار نمیشوند شما ببینید این نهادهائی که بوجود آمده همگی در رابطه با صفت عظیم سربازگیری انقلاب بود و انقلاب واقعا بخاطر این جهت گیری بزرگ و این نقطه قوت هرگز از پای نمی نشیند وقتی که ابزار سازهای دنیا و ماتریالیستها به فکر از بین بردن انقلاب در آخرین لحظات حیاتشان افتادند به این نتیجه رسیدند که انقلاب را در مقابل بازیهای نظامی صدامی و بازیهای نظامی منافقین و... قرار بدهند و شما میبینید که چقدر زبان از آب در میآید، دیگر شمشیرهایشان برا نیست و همه ملت میدانند آنچه‌ای که این شمشیرها را کند کرد و این ابزارها را از میدان

بیرون کرد، این شخصیت های جاه طلب را برای همیشه سر جای خودشان نشاند، قدرت سربازگیری انقلاب بود. اما در مورد ضعفهای انقلاب ما در انقلاب ضعف نمی بینیم، مدعی زیاد می بینیم که ممکن است دائم در این صدد باشند که بله اگر ما تصمیم گیر باشیم یا بودیم یا بخوایم چطور و چطور خواهد شد من اینرا نقطه ضعف مدعی میدانم. این نقطه ضعف مدعی است که هنوز فکر میکند که انقلاب در رابطه با مسائل سیاسی و در رابطه با فرد مشخصی نسبت به جریانات اداری و سازماندهی و کار اجرایی و... تعریف میشود نقطه ضعف از آنجائی در ما شروع میشود که خودمان را از حرکت توده ها نسبت به عبودیت الهی جدا میکنیم

و فکر میکنیم که ما انقدر موثر در انقلاب هستیم که میتوانیم کاری را در رابطه با انقلاب جلو ببریم. و فراموش میکنیم که اگر وظیفه ما را انجام بدهیم، اگر دستورالعملهای الهی را آنگونه که نوامیس اسلامی تصویب کردند بعنوان وظیفه انجام بدهیم، این بالاترین نقاط قوت انسان و قدرت انقلاب خواهد بود. اینهایی هم که از اینطرف فکر میکنند که نقاط ضعف در انقلاب در رابطه با عدم تصمیم گیری بعضیهاست ریشه فکریشان با دشمنان انقلاب هم عرض است. دشمنان انقلاب هم فکر میکنند که اگر یک جریان ابزاری را تمویل بکنند موفق هستند ولی هیچکدام اینطور نیست. واقعا انقلاب از یک دیدگاه دیگری حرکت میکند بفرص که در یک شرایطی یک مقداری اوج و حسیض دارد این به اصطلاح از دیدگاه ماست ولی همیشه در جریان پیشروی و اوج است. چه کسی تصور میکرد که در مقابل اینهمه توطئه های ابزاری انقلاب مقاومت کند بنابراین اصلا دیدن ضعف خودش ضعف ایدئولوژیک است نه اینکه واقعاً بخوایم خدای ناکرده مطلب مشخصی را نسبت به کار مشخصی بگویم. نه، آنچه که آفرینش است همه حسن است و آنچه که در پدیده ها ظهور میکند همه حق است و در جهت الهی. امیدواریم که ما اینقدر لیاقت داشته باشیم که از این سفره وسیع انقلاب یک قوت، برای آخرت تهیه کنیم.

## قصه وارده....

چشم بازی که تو را هست کون نیک بین  
هیچیک ضامن فردای توییست  
راه پرپیچ و خم است  
فتنه در پیش و پس ایش پنهان است  
دشمنان کرده کمین

دوستاند اجران امین  
همه امید تویی بعد امام  
حجت خلق و خدا بر تو تمام  
پسرم، همسفرم  
جابه رزم بیوش

به قصاص ستم سلطه گران  
تارهایی،  
تارسیدن به سرقله نور  
مرد و مردانه بکوش.

(تمام)

جهاد